

هرمنوتیک

فرزاد بالو

نظریه ، کاربرد ، نقد از هرمنوتیک کلاسیک تا هرمنوتیک فلسفی



هرمنوتیک

نظریه، کاربرست، نقد

از هرمنوتیک کلاسیک تا هرمنوتیک فلسفی

دکتر فرزاد بالو

دانشیار دانشگاه مازندران



انتشارات زوآر

سرشناسه	: بالو، فرزاد، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: هرمنوتیک؛ نظریه، کاربری، نقد: از هرمنوتیک کلاسیک تا هرمنوتیک فلسفی / فرزاد بالو.
مشخصات نشر	: تهران: کتابفروشی و انتشارات زوار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۴ص.
شابک	: 978-964-401-575-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: هرمنوتیک
موضوع	: Hermeneutics
رده بندی کنگره	: BD۲۴۱
رده بندی دیویی	: ۱۲۱/۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۶۱۴۵۴



انتشارات زوار

-
- هرمنوتیک؛ نظریه، کاربری، نقد □
 □ از هرمنوتیک کلاسیک تا هرمنوتیک فلسفی □
 □ دکتر فرزاد بالو (دانشیار دانشگاه مازندران) □
 □ ویراستار: دکتر مصطفی میردار رضایی □
 □ لیتوگرافی و آماده سازی چاپ: عالمی □
 □ نظارت بر چاپ و صحافی: فرناز کریمی □
 □ نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹ □
 □ شمارگان: ۱۱۰ نسخه □
 □ چاپ و صحافی: سیمین □
 □ شابک: ۵-۵۷۵-۴۰۱-۹۶۴-۹۷۸ □
-
- تهران؛ خیابان انقلاب؛ خیابان دوازدهم فروردین؛ نبش شهیدنظری؛ پلاک ۲۷۸ □
 □ تلفن: ۰۳-۶۶۴۶۲۵-۶۶۴۸۳۴۲۳-۶۶۴۸۳۴۲۴ □
 قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

پیشگفتار.....	۱۱
درآمد.....	۱۴
بخش اول: هرمنوتیک کلاسیک.....	۱۹
مقدمه.....	۲۰
۱- نگاهی اجمالی به کلام محوری در غرب.....	۲۲
۲- نگاهی اجمالی به کلام محوری در ادب کلاسیک.....	۲۷
۳- دفاع از کلام محوری در آثار و اندیشه‌ی ناصر خسرو.....	۳۲
۳-۱- نظام زبان و تحقق مادی آن.....	۳۳
۳-۲- رابطه‌ی دال و مدلول.....	۳۳
۳-۳- نظریه‌ی برتری گفتار بر نوشتار در اندیشه‌ی ناصر خسرو (کلام محوری).....	۳۴
۴- از کلام محوری تا هرمنوتیک کلاسیک.....	۳۸
۵- ظهور هرمنوتیک کلاسیک.....	۳۹
۶- هرمنوتیک مدرن.....	۴۲
۷- مقایسه میان تأویل و هرمنوتیک.....	۴۵
۸- معنی لغوی و اصطلاحی تأویل.....	۴۶
۹- رویکردهای تأویلی در فرهنگ و تمدن اسلامی.....	۴۷
۱۰- اسماعیلیه و تأویل.....	۴۸
۱۰-۱- ناصر خسرو و تأویل.....	۵۰
۱۰-۱-۱- تعریف ناصر خسرو از تأویل.....	۵۰
۱۰-۱-۲- مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی تأویل.....	۵۱
۱۰-۱-۳- شایستگان تأویل.....	۵۵

نتیجه‌گیری.....	۵۷
پی‌نوشتها.....	۵۹
بخش دوم: هرمنوتیک فلسفی.....	۶۳
۱- مقدمه و بیان مسأله.....	۶۴
۲- گادامر و هرمنوتیک فلسفی.....	۶۵
۳- مفهوم «امتزاج افق» در هرمنوتیک فلسفی.....	۶۶
۳-۱- ساختارگفتگویی میان افق خواننده و متن در آغاز.....	۶۶
۳-۲- افق درونی و افق بیرونی مفسر.....	۶۷
۳-۳- نقش فاصله‌ی زمانی در تشخیص پیش‌داوری‌های درست از پیش‌داوری‌های نادرست.....	۶۹
۳-۴- پایان گفتگو و امتزاج افق خواننده و متن.....	۷۰
۴- تحلیل و بررسی داستان موسی و شبان.....	۷۲
۴-۱- مواجهه‌ی موسی و شبان در ساختار گفتگویی در باب موضوع خدا.....	۷۲
۴-۲- موقعیت هرمنوتیکی و افق شبان در آغاز گفت‌وگو.....	۷۳
۴-۳- موقعیت هرمنوتیکی و افق موسی در آغاز گفتگو.....	۷۵
۴-۴- تغییر افق و موقعیت هرمنوتیکی موسی در پرتو عتاب و خطاب خداوند.....	۷۶
۴-۴-۱- عتاب کردن حق تعالی موسی را علیه السلام از بهر آن شبان.....	۷۶
۴-۵- نقش فاصله‌ی زمانی در موضع مولوی در باب موضوع خدا.....	۷۹
۴-۶- تغییر افق و موقعیت هرمنوتیکی شبان در پایان گفتگو.....	۸۱
۴-۷- امتزاج افق موسی و شبان در پایان گفتگو.....	۸۲
نتیجه‌گیری.....	۸۲
پی‌نوشتها.....	۸۴
تحلیل امتزاج افق ظاهر شریعت و افق باطن شریعت در مصیبت‌نامه‌ی عطار.....	۸۵
۱- مقدمه.....	۸۵
۲- مصیبت‌نامه‌ی عطار.....	۸۶
۲-۱- پدیده‌های طبیعی.....	۹۰
۲-۱-۱- رفتن سالک فکرت پیش بهشت.....	۹۰
۲-۱-۱-۱- افق ظاهربین سالک فکرت در آغاز.....	۹۰
۲-۱-۱-۲- افق باطن بین بهشت.....	۹۲
۲-۱-۲- گفتار پیر در تأیید سخن بهشت.....	۹۴

۹۴.....	۲-۲- پدیده‌های انسانی.....
۹۵.....	۲-۲- ۱- رفتن سالک فکرت پیش جبرئیل.....
۹۵.....	۲-۲- ۱- ۱- افق ظاهر بین سالک فکرت.....
۱۹.....	۲-۲- ۱- ۲- افق باطن بین جبرئیل.....
۹۸.....	۲-۲- ۱- ۳- گفتار پیر در تأیید سخن جبرئیل.....
۹۸.....	۲-۳- پدیده‌های معنوی.....
۹۸.....	۲-۳- ۱- رفتن سالک فکرت پیش عقل.....
۹۸.....	۲-۳- ۱- ۱- افق ظاهر بین سالک فکرت در آغاز.....
۱۰۰.....	۲-۳- ۱- ۲- افق باطن بین عقل.....
۱۰۱.....	۲-۳- ۱- ۳- گفتار پیر در تأیید سخن عقل.....
۱۰۲.....	۳- امتزاج افق و پایان مکالمه.....
۱۰۵.....	۴- فاصله‌ی زمانی و درست یا نادرست بودن امتزاج افق ظاهر شریعت و افق باطن شریعت.....
۱۰۶.....	نتیجه‌گیری.....
۱۰۷.....	از «سویه‌ی کاربردی» در هرمنوتیک گادامری تا «به خود اختصاص دادن» در هرمنوتیک ریکور.....
۱۰۷.....	۱- مقدمه.....
۱۰۸.....	۲- بحث و بررسی.....
۱۰۹.....	۲- ۱- سویه‌ی کاربردی در هرمنوتیک گادامری.....
۱۱۳.....	۲- ۱- ۱- کاربست «سویه‌ی کاربردی» در نمونه‌های عینی.....
۱۱۶.....	۲- ۲- «به خود اختصاص دادن» در نظریه‌ی هرمنوتیکی ریکور.....
۱۲۲.....	۲- ۲- ۱- کاربست «به خود اختصاص دادن» در نمونه‌های عینی.....
۱۲۶.....	نتیجه‌گیری.....
۱۲۷.....	پی‌نوشتها.....
۱۲۹.....	از افق در تلقی نیچه‌ای تا افق در تلقی گادامری با تأملی در حکایت‌هایی از مثنوی معنوی.....
۱۲۹.....	۱- مقدمه.....
۱۳۰.....	۲- بحث و بررسی.....
۱۳۰.....	۲- ۱- افق در اندیشه‌ی نیچه.....
۱۳۵.....	۲- ۱- ۱- حکایت اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل، نمونه‌ی تحقق عینی افق در تلقی نیچه-ای آن.....
۱۳۸.....	۲- ۲- افق در اندیشه‌ی گادامری.....
۱۴۱.....	۲- ۲- ۱- داستان موسی و شبان؛ تحقق افق گشوده در تلقی گادامری آن.....

۱-۲-۲-۲-۲	موقعیت هرموتیکی و افق شبان در آغاز گفتگو	۱۴۱
۱-۲-۲-۲-۲	موقعیت هرموتیکی و افق موسی در آغاز گفتگو	۱۴۲
۱-۲-۲-۲-۲	تغییر افق و موقعیت هرموتیکی موسی در پرتو عتاب و خطاب خداوند	۱۴۳
۱-۲-۲-۲-۳	تغییر افق و موقعیت هرموتیکی شبان در پایان گفتگو	۱۴۵
۱-۲-۲-۲-۴	امتزاج افق موسی و شبان در پایان گفتگو	۱۴۶
	نتیجه‌گیری	۱۴۶
	پی‌نوشت	۱۴۸
	از قوس هرموتیکی ریکور تا نوبت‌های سه‌گانه‌ی تفسیری در <i>کشف‌الاسرار</i>	۱۵۰
۱-۱	مقدمه	۱۵۰
۲-۱	نظریه‌ی هرموتیکی ریکور	۱۵۲
۱-۲-۱	قوس هرموتیکی ریکور	۱۵۳
۲-۱-۱	تبیین	۱۵۴
۲-۱-۲	فهم	۱۵۵
۲-۱-۳	به‌خود اختصاص دادن	۱۵۷
۳-۱	ابوالفضل میبدی و تفسیر <i>کشف‌الاسرار</i> ^(۳)	۱۵۹
۳-۱-۱	قوس هرموتیکی در تفسیر <i>کشف‌الاسرار</i>	۱۶۰
۳-۱-۱	نوبت الاولی	۱۶۱
۳-۱-۲	نوبت الثانی	۱۶۱
۳-۱-۳	نوبت الثالثه	۱۶۴
۳-۲	قوس تفسیری میبدی در داستان موسی و خضر (مقام خضر در نسبت با موسی / دلایل فرستاده شدن موسی و آموختن از خضر / علم لدنی)	۱۶۹
۳-۲-۱	النوبه الاولی: ترجمه‌ی تحت‌اللفظی از آیات قرآن به نثر پارسی روان	۱۶۹
۳-۲-۲	النوبه الثانیه: تفسیر ظاهری از مقام خضر در نسبت با موسی و دلایل فرستاده شدن موسی و آموختن از خضر (با هدف وصول به تیت مؤلف)	۱۷۰
۳-۲-۲-۱	تفسیر ظاهری علم لدنی	۱۷۱
۳-۲-۲-۲	تفسیر ظاهری سوراخ کردن کشتی، کشتن کودک و عمارت کردن دیوار	۱۷۲
۳-۲-۲-۲-۱	تفسیر ظاهری سوراخ کردن کشتی	۱۷۲
۳-۲-۲-۲-۲	تفسیر شریعتی کشتن کودک	۱۷۲
۳-۲-۲-۲-۳	تفسیر ظاهری عمارت کردن دیوار	۱۷۳
۳-۲-۳	النوبه الثالثه: تفسیر عرفانی آیات (آیات در تصاحب مفسر)	۱۷۳

۱-۳-۲-۳-۱ تفسیر عرفانی علم لدنی ۱۷۳

۲-۳-۲-۳-۲ تفسیر عرفانی مقام خضر در نسبت با موسی و دلایل فرستاده شدن موسی و آموختن از خضر ۱۷۴

۳-۲-۳-۳-۲ تفسیر عرفانی سوراخ کردن کشتی، کشتن غلام و عمارت کردن دیوار ۱۷۵

۳-۲-۳-۳-۱ سوراخ کردن کشتی ۱۷۵

۳-۲-۳-۳-۲ تفسیر عرفانی کشتن کودک ۱۷۵

۳-۲-۳-۳-۳ عمارت کردن دیوار ۱۷۶

۳-۳ قوس تفسیری میدی در تفسیر آیهی ۲۲۹ بقره (الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ) ۱۷۶

۳-۱-۳ النبوة الاولى: ترجمهی تحت‌اللفظی از آیات قرآن به نثر پارسی روان ۱۷۶

۳-۲-۳ النبوة الثانية: تفسیر ظاهری (با هدف وصول به نیت مؤلف) ۱۷۷

۳-۳-۳ النبوة الثالثة (تفسیر عرفانی) ۱۷۷

نتیجه‌گیری ۱۸۰

پی‌نوشت ۱۸۲

بخش سوم: هرمنوتیک و نقد ۱۸۵

هرمنوتیک: از نظریه تا نقد؟ ۱۸۶

۱- مقدمه ۱۸۶

۲- بحث و بررسی ۱۸۷

۲-۱- نسبت میان هرمنوتیک و نقد ۱۸۷

۲-۱-۱- نسبت هرمنوتیک و نقد در هرمنوتیک روش‌شناختی (مؤلف‌محور) ۱۸۸

۲-۱-۲- هرمنوتیک فلسفی از نظریه تا نقد ۱۹۵

۲-۱-۳- هرمنوتیک ادبی و نقد ۲۰۰

۲-۱-۴- اعتباریابی تفسیر در اندیشه‌ی هرمنوتیکی گادامر؛ گذار از نظریه به نقد ۲۰۳

نتیجه‌گیری ۲۰۷

پی‌نوشت‌ها ۲۰۷

نقدی بر تلقی رایج از هرمنوتیک فلسفی گادامر؛ به مثابه هرمنوتیک خواننده‌محور/ مفسر‌محور ۲۱۱

۱- مقدمه ۲۱۱

۲- بحث ۲۱۳

۲-۱- عدم توجه به تغییر رویکرد روش‌محورانه در هرمنوتیک فلسفی به رویکرد دیالکتیکی ۲۱۴

۲-۲- تلقی نادرست از مفهوم انطباق یا کاربرد در هرمنوتیک فلسفی ۲۱۶

۲-۳- عدم توجه به مفهوم بازی در هرمنوتیک فلسفی ۲۱۸

۲- ۴- جدا انگاری سوژه و ابژه و عدم التفات به مفهوم امتزاج افق ها در هرمنوتیک فلسفی	۲۱۹
۲- ۵- عدم تفکیک میان قلمرو هرمنوتیک فلسفی و خواننده محور (هرمنوتیک ادبی)	۲۲۲
نتیجه گیری	۲۲۷
پی نوشتها	۲۲۸
منابع و مأخذ	۲۳۲

پیشگفتار

اگرچه از تأملات و نظریه‌پردازی حول محور دانش هرمنوتیک بیش از دو قرن و نیم در دنیای غرب می‌گذرد، اما در ایران از دهه‌ی هفتاد کتاب‌های: هرمنوتیک، کتاب و سنت از محمد مجتهد شبستری، و کتاب ساختار و تأویل متن، نوشته‌ی بابک احمدی از جهت معرفی و طرح مباحث هرمنوتیک کلاسیک و مدرن جریان‌ساز هستند. بعدها به‌ویژه در دو دهه‌ی اخیر، نوشتن کتاب‌ها و مقالاتی اعم از تألیف و ترجمه در باب هرمنوتیک رشد چشمگیر پیدا کرد؛ از این رو، طرح و شرح رویکردها و مفاهیم مختلف هرمنوتیکی و کاربرست دستاوردهای هرمنوتیکی در حوزه‌ی علوم انسانی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. کتاب حاضر نیز می‌کوشد در گام نخست به تبیین درست و دقیق رویکردها و مفاهیم هرمنوتیکی بپردازد و در گام دوم، کاربرست آن‌ها را به صورت تحلیلی در متون ادبی نشان دهد. در این راستا، تلاش بر آن بوده تا به بیان پاره‌ای از مفاهیم هرمنوتیکی بپردازیم که تا به حال در حوزه‌ی مطالعات هرمنوتیکی توجهی به آن‌ها نشده‌است. در گام سوم و پایانی، هم به نسبت رویکردهای مختلف هرمنوتیکی و نقد می‌پردازیم و هم، تلقی نادرست و رایج از هرمنوتیک فلسفی به مثابه هرمنوتیک مخاطب-محور را مورد مذاقه و ارزیابی قرار می‌دهیم. توجه به نکات ذیل در جهت

ارتباط مطلوب‌تر خواننده با کتاب حاضر، حائز اهمیت است:

۱- برای نحله‌های هرمنوتیکی، به اعتبارهای مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی صورت گرفته است؛ فی‌المثل، به اعتبار دوره‌های مختلف تاریخی (کلاسیک - مدرن)، به اعتبار قلمرو (عام، خاص و فلسفی)، به اعتبار رویکرد (روش‌شناختی، پدیدارشناختی، فلسفی و ...) و ... تأملات ما در این کتاب، چه از حیث کاربست و چه از حیث نقد به اعتبار رویکردهای هرمنوتیکی، و بر اساس هرمنوتیک روش‌محور (مؤلف‌محور) و هرمنوتیک فلسفی در دو شاخه‌ی گادامری (مؤلف - متن‌محور) و ریکوری (متن‌محور) آن استوارست. البته پرواضح است که رویکردها و شخصیت‌های تأثیرگذار هرمنوتیکی در غرب به رویکردها و شخصیت‌های این کتاب محدود نمی‌شوند؛ مثلاً جریان هرمنوتیک انتقادی و ... لازم به توضیح است که فی‌المثل بزرگان هرمنوتیک روش‌محور مانند شلایر ماکر، دیلتای، بتی و هرش اگرچه در دغدغه‌ی وصول به تیت مؤلف هم‌داستان‌اند، اما قواعد و ضوابط هرمنوتیکی خاص خودشان را دارند و ما در این کتاب، صرفاً به فضای کلی حاکم بر هرمنوتیک روش‌محور (مؤلف‌محور) نظر داشته‌ایم.

۲- تبیین درست رویکردها و مفاهیم هرمنوتیکی و کاربست آن‌ها در خوانش متون می‌تواند به‌ویژه راهنما و الگوی مناسبی برای دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی: اعم از الهیات، ادبیات، فلسفه، روان‌شناسی و ... باشد تا به اقتضای استلزامات حاکم بر هر رشته، به خوانش و تحلیل متون خاص رشته‌ی خود بپردازند.

۳- چهار تا از مقالات این کتاب، پیشتر در مجلات معتبر علمی و پژوهشی به‌چاپ رسیده و بی‌دخل و تصرف چندانی در اینجا گرد آمده که در پی - نوشت‌ها به آن اشاره شده‌است. در عین حال، پاره‌ای از موضوعات و نوشتارهای کتاب برای اولین بار مطرح می‌گردند تا خواننده در یک کتاب مستقل هم از حیث نظری و کاربست و هم از جهت نقد، رویکردهای اصلی

و مهم هرمنوتیک کلاسیک و مدرن را پیش چشم داشته باشد.

۴- از آنجا که مطالب کتاب حاضر در قالب نوشتاری مستقل به یکی از مباحث هرمنوتیکی می‌پردازد، همپوشانی یا تکرار پاره‌ای از مطالب گریزناپذیر بوده است؛ از این رو، بدیهی است که هرگونه دخل و تصرف یا تغییر، به ساختار کلی نوشتارها آسیب می‌زده است. علاوه بر این، تکرارها از سویی ناخوشایند و آزارنده است، اما از سوی دیگر، تکرار پیاپی این مطالب سبب جا افتادن پاره‌ای از مفاهیم مهم هرمنوتیکی برای خواننده، خاصه دانشجویان می‌شود.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از ارائه‌ی طریق‌ها و همراهی‌ها و مساعدت‌های استاد ارجمند و دانشورم جناب آقای دکتر حبیب‌الله عباسی استاد دانشگاه خوارزمی سپاسگزاری کنم که بی‌عنایت ایشان چاپ این نوشتار ممکن نبود. همچنین از دوست و همکارفاضل و دانشمند جناب آقای دکتر مصطفی میردار کمال تشکر و امتنان خاطر را دارم که با حوصله صدر و ذیل این کتاب را از نظر گذراندند و موارد اصلاحی و تکمیلی را یادآور شدند و صفحه‌آرایی کتاب را نیز قبول زحمت فرمودند.

درآمد

هرمنوتیک از واژه‌ی یونانی Hermeneuein، به معنای شرح دادن، تأویل کردن و بازگردانیدن است. ریشه‌ی این اصطلاح را به «هرمس»^۱ یکی از خدایان یونان باستان بازمی‌گردانند که علاوه بر رساندن پیام خدایان به یکدیگر، آدمیان را نیز در درک پیام‌های رمزی خدایان و فهم مراد و مقصودشان در زبان گفتاری و نوشتاری یاری می‌رساند. «وجه ارتباط هرمنوتیک با هرمس نیز به این نکته برمی‌گردد که او را واضع زبان و خط می‌دانستند. او پیغام‌رسان و واسطه‌ی خدایان با مردم بود» (کلباسی، ۱۳۸۶: ۹۳)؛ به تعبیر دیگر، مطالعه‌ی قواعد صحیح تفسیر متن را علم تأویل، تأویل‌شناسی یا زنده‌شناسی می‌گویند (آشوری، ۱۳۸۶: ۹۳).

وقتی که سخن از هرمنوتیک به میان می‌آید، عده‌ای از صاحب‌نظران، آن را در ساختار سه‌گانه‌ی نشانه (پیام)، واسطه (مفسر) و مخاطب جلوه‌گر می‌بینند. «این ساختار سه‌گانه شامل اصلی‌ترین مسائلی است که علم هرمنوتیک به آن‌ها می‌پردازد: ۱- ماهیت یک متن؛ ۲- معنای فهمیدن یک متن؛ ۳- فهم و تفسیر. چگونه به واسطه‌ی پیش‌فرض‌ها و افق مخاطب،

تفسیر یک متن تحدید و تعیین می‌شوند» (هاروی، ۱۳۸۲: ۲۵۴).

کافی است تأملی در تاریخ هرمنوتیک غرب داشته باشیم، آن‌گاه شاهد تعاریف متعدّد و متنوعی از هرمنوتیک خواهیم بود؛ با این وجود، شاید بتوان گفت: تعریفی که ریکور در مقاله‌ی «رسالت هرمنوتیک» به دست داده‌است، تعریف نسبتاً جامعی از هرمنوتیک باشد: «هرمنوتیک نظریه‌ی عمل فهم است در جریان روابطش با تفسیر متون» (ریکور، ۱۳۶۸: ۲۶۳). در عین حال، باید یادآور شد که هرمنوتیک قلمرو وسیعی را در برمی‌گیرد و متون گفتاری و نوشتاری بخشی از این گستره‌ی بیکرانه را تشکیل می‌دهند: «به گونه‌ای که نه فقط متون نوشتاری و گفتاری بل کنش‌ها، رویدادها، خواست‌ها و حتی حالت‌ها (لحن صدا، نگاه‌ها، اشارات و...) نیز در این دایره قرار می‌گیرند» (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۱).

در کل، دیدگاه‌های تاریخی به هرمنوتیک در دو دسته‌ی عمده قرار می‌گیرند: از یک سو عالمان هرمنوتیک نظری و عملی، غالباً مدّعی‌اند که اشراف به مسائل تأویل خاص عصر مدرن است؛ چنان‌که خانم وارنگ معتقد است: هرمنوتیک به مثابه یک رشته‌ی مستقل و مجزا در قرن نوزدهم ریشه دارد و به وسیله‌ی عالمان هرمنوتیک رمانتیک، یعنی شلایرماخر و دیلتای شکل گرفته است. از سوی دیگر، جمع بزرگی از متخصصان هرمنوتیک قرار دارند که پیشینه‌ی طولانی‌تری برای سنت هرمنوتیکی قائل‌اند و جزئیات نقش تأویل را ابتدا در سنت نحویون یونان و سپس در فن بیان رومی جستجو می‌کنند (شرت، ۱۳۸۷: ۴۱ - ۳۹).

تردیدی نیست علاوه بر آن که پاره‌ای از آرای تأویلی در رساله‌ی کراتیلوس^۱ افلاطون و یکی از فصول منطق ارسطو تحت عنوان باری ارمیناس سخن می‌رود، به جرأت می‌توان گفت پاره‌ای از مسایل بنیادی هرمنوتیک در

سنت تأویلی یهودی و مسیحی قابل پی‌جست است. فی‌المثل مکتب‌های لفظ‌گرا و تمثیلی یهودی که دو مکتب تأویلی مسیحی اسکندریه و انطاکیه به تبع آن‌ها به وجود آمده‌اند، قابل ذکرند؛ بنابراین، آرای تأویلی شخصیت‌هایی چون فیلون یهودی، اوریجن و آگوستین قدیس - که به‌ویژه به بسیاری از مسایل غامض و پیچیده‌ی تأویلی توجه آگاهانه داشته و به تأویل زبانی رویکرد نشانه‌شناختی داشته است - و ... به غایت قابل تأمل‌اند. به هرروی، «طی قرون وسطی نهاد کلیسا بر الهیات و هرمنوتیک کتاب مقدس مسلط بود، اما از قرن شانزدهم ورق برگشت» (همان: ۷۵).

باری، از آن زمان که مارتین لوتر علیه نظام کلیسا عصیان کرد و چراغ اصلاح‌طلبی را در عرصه‌ی دین‌ورزی برافروخت، پایان حبس کلیسایی هنر فهم (هرمنوتیک) را - که در انحصار آباء کلیسا، صرفاً مشق فهمی می‌کرد که متولیان دین بر زبان آن می‌نهادند - اعلام کرد. در واقع، جنبش اصلاح-طلبی، موتور محرکه‌ی ظهور پیروزمندانه‌ی هرمنوتیک محسوب می‌شود. «پافشاری پروتستان‌ها بر خودبسندي متن مقدس و عزم جزم آن‌ها برای نشان دادن روشنی و وضوح بنیادین کتاب مقدس به نتیجه رسید. پیکره‌ی کلی نظریه و عمل حاصل از این مباحثات، هرمنوتیک را پی‌ریزی کرد» (کربای، ۱۳۷۹: ۹). احتمالاً نخستین ظهور ثبت‌شده‌ی این کلمه در عنوان کتابی است از ی.ک. دانهایر که در سال ۱۶۵۴ منتشر شده؛ با این مشخصات «هرمنوتیک قدسی یا شیوه‌ی تأویل متون مقدس» (پالمر، ۱۳۸۴: ۴۲) است.

شلایرماخر را بنیان‌گذار اصلی هرمنوتیک عام می‌دانند؛ کسی که علم هرمنوتیک را به صورتی نظام‌مند از سیطره‌ی کتاب مقدس بدر آورد و به متون مختلف حقوقی، ادبی و ... نیز بسط و گسترش داد. آرای شلایرماخر در باب هرمنوتیک از کلمات قصارگونه‌ای که در سال‌های ۱۸۰۵ و ۱۸۰۶ بیان شده، تا درس‌گفتارها و گفتارهای دانشگاهی وی در این خصوص، همه در

رویکرد انتقادی به آرای ولف و آست تدوین شده است. شلایرماخر، دانش هرمنوتیکی را نمایندگی می‌کند که التزام به روش و وصول به نیت مؤلف، اهتمام اصلی آن محسوب می‌شود. ديلتای، بتی و هرش به نوعی پیروان شلایر مآخر محسوب می‌شوند. اما در قرن بیستم و تحت تاثیر آرای هایدگر، هرمنوتیک فلسفی به وسیله‌ی گادامر پایه‌گذاری می‌شود. گادامر در نقد سلف خود، تمهید روش را برای حصول به نیت مؤلف ناممکن و ناصواب می‌داند. چنان‌که عنوان اثر معروفش: حقیقت و روش، تعریضی معنادار به همین قضیه دارد. وی هدف نهایی هرمنوتیک را توصیف واقعی فهم می‌داند و خوانش متن را امتزاج افق خواننده و متن قلمداد می‌کند. در ادامه، ریکور فرانسوی در عین حال که پاره‌ای از مبانی اصلی هرمنوتیک فلسفی را می‌پذیرد (فی-المثل از جمله این‌که: فهم گونه‌ای از هستی است؛ و هدف تفسیر متن نیت مؤلف نیست و ...)، اما با وجود این، دستاوردهای تازه‌ای در حوزه‌ی خوانش متن عرضه کرد. ریکور در عرصه‌ی تفسیری، به آمیزه‌ای از تبیین و فهم معتقد است و در این امر، تأثیر ساختارگرایان فرانسوی در آرای هرمنوتیکی-اش مشهود است.

بخش اول این کتاب به سه رویکرد هرمنوتیکی شلایرماخری و ...، گادامری و ریکوری در تحلیل متن اختصاص دارد و در بخش دوم، نسبت رویکردهای مختلف هرمنوتیکی و مقوله‌ی نقد مورد تأمل و نظریه‌ورزی قرار می‌گیرد.

